
جایگاه «فرضیه» در پژوهش‌های دینی (مهدویت پژوهی)

حجت الاسلام و المسلمین رحیم کارگر^۱

تاریخ تحویل: ۸۷/۸/۲۰

تاریخ تأیید: ۸۷/۹/۲۰

۱. مدرس و پژوهشگر مباحث مهدویت.

چکیده

یکی از انگاره‌های مهم در پژوهش‌های روشمند و اصولی، بهره‌وری از «فرضیه» یا «فرضیات تحقیق» و قرار دادن آنها در چارچوب نظری و تئوریک است؛ یعنی، متمرکز شدن در یک یا چند مؤلفه مهم و بنیادی و استخراج و استنباط دانش و نکته جدیدی از آن در یک یا چند زمینه خاص و بر اساس قواعد و قوانین شناخته شده «روش تحقیق».

فرضیه یا فرضیات، ارتباطی وثیق با دغدغه و سؤال اصلی پژوهشگر دارد و راهی روشن برای هدایت و استخوان‌بندی تحقیق به شمار می‌رود. با اینکه فرضیه از اهمیت و ارجمندی بالایی برخوردار است؛ ولی به دلایل مختلف با ابهام، پیچیدگی و دشواری‌هایی روبه‌رو است. به همین جهت در پژوهش‌های فعلی، جایگاه آن به خوبی تعریف و تبیین نشده است یا نبود آن بهتر از تدوین آن تلقی شده است. این مسأله در «مهدویت پژوهی» شکل خاصی پیدا کرده و به دلایل مختلف «فرضیه تحقیق» به خوبی طرح نشده است. نگارنده در این نوشتار می‌کوشد هم جایگاه و اهمیت «فرضیه» را بیان کند و هم امکان و چگونگی بهره‌گیری از فرضیه را در «مهدویت پژوهی» بررسی نماید. به نظر می‌رسد با دقت و ژرف‌اندیشی، می‌توان فرضیه را به عنوان زمینه‌ای برای کیفی کردن پژوهش‌های مهدوی و آغازی برای نظریه‌پردازی در ساحت‌های مختلف آن قرار داد. کلیدواژه‌ها: فرضیه تحقیق، مسأله علمی، مهدویت پژوهی، فرضیه‌سازی.

پیش درآمد

پژوهش و تحقیق در معارف دینی و کشف قواعد، نظرات و آموزه‌های بنیادین دین، راهی پر مایه در برابر پژوهشگران و جست و جوگران حقیقت است. شکوفایی علوم انسانی و بالندگی دانش‌های معرفت افزا، با رجوع عالمانه و خردورزانه به گوهرهای ناب قرآن و حدیث و دیدگاه‌های عالمان دینی، امکان‌پذیر است. این رجوع و بهره‌مندی، باید نظام‌مند، حساب شده و تولیدی باشد و به پرسش‌های فراوان و نیازمندی‌های گوناگون انسان‌ها - آن هم متناسب با سطح شعور و آگاهی و رشد آنها و ضرورت‌های جامعه - پاسخ‌های درخور و جامعی ارائه بدهد. اندیشه متعالی، زمانی شکل می‌گیرد که نگاهی جامع و راهبردی به انسان و حیات او بشود و نظریات سودمند و راهگشایی برای تحلیل درست پدیده‌ها و تجویز راهکارهای مناسب، ارائه گردد. این همان نظریه پردازی دینی است که مطلوب و بایسته همه جوامع - به خصوص جامعه دینی - است. این انگاره، اهمیت و ارجمندی ویژه‌ای در اندیشه مهدویت دارد که می‌توان براساس آن، هم نظریه‌ای جامع و کامل برای تشکیل جامعه‌ای مطلوب ارائه داد و هم نگرش راهبردی به حوزه‌های مختلف زندگی داشت. آموزه مهدویت، تصویر و طراحی کامل و فراگیر برای مدینه فاضله انسانی و بیان جامع و استراتژیک برنامه‌ها، اهداف، خط مشی‌ها، تعالیم و قوانین بایسته برای اداره دنیا است. به همین جهت ما شاهد رویکرد جدی و فراگیر به مهدویت پژوهی، آینده پژوهی، دکترین مهدویت، اندیشه‌شناسی مهدویت، تاریخ پژوهی مهدوی، استراتژی انتظار، استراتژی انقلاب، دولت پژوهی، آرمان شهرشناسی و... هستیم.

«آموزه مهدویت»، دارای ابعاد و زوایای مختلفی است که هم تاریخ گذشته بشر را به درستی تفسیر و تبیین می‌کند و هم بر وضعیت فعلی تأثیر می‌گذارد و زندگی سیاسی، اجتماعی و اخلاقی انسان را سامان می‌بخشد. فراتر از همه برنامه‌ای روشن برای آینده بشریت و ترسیم مسیر و هدف فرآیند تاریخ است. به همین جهت شامل

معارف سرشاری در زمینه‌های سیاست، قضاوت، امنیت، فرهنگ، اخلاق، دین، اندیشه، تعلیم و تربیت، اجتماع، اقتصاد، صنعت، دانش و فنون، هنر، مهارت زندگی، بهداشت جمعی و روانی، مدیریت و... است و می‌توان راه کارهایی روشن و جامع برای مشکلات و کاستی‌های زندگی بشری از آن به دست آورد. همچنین خود این آموزه، دارای موضوعات و مباحث گوناگون تاریخی، کلامی، سیاسی، تفسیری و... است که می‌توان بر اساس آن پژوهش‌های مختلفی را سامان بخشید.

«آموزه مهدویت»، می‌تواند یکی از شالوده‌های اساسی نظریه پردازي و توليد دانش دینی باشد. در واقع مسیر درست نواندیشی دینی و غنی‌ترین منبع تولید نظریات مختلف، مراجعه به اندیشه سترگ مهدویت و پژوهش دانشمندان و فیلسوفانه درباره آن است. حداقل، این ظرفیت و غنای نظری در «آموزه مهدویت» وجود دارد که بتوان در گستره آن، مولفه‌های بی شماری در زمینه سیاست و حکومت، تاریخ، اجتماع و... به دست آورد و فرضیات و نظام‌های معنایی ارائه نمود. مهدویت پژوهی، بخش مهمی در دین پژوهی و اندیشه شناسی است که می‌تواند تأثیر به سزایی در رونق نظریه پردازي دینی ایفا کند و چشم‌اندازی متعالی و بی‌کران فرا روی پژوهشگران و نظریه پردازان قرار دهد.

علاوه بر این نکته زیربنایی و رویکرد کلان و تئوریک به اندیشه مهدویت، امروزه شاهد شکل‌گیری تحقیقات گوناگون و موضوع محور در این زمینه هستیم. یکی از بایستگی‌های این پژوهش‌های رسمی و نیمه رسمی، طراحی تحقیق و تبیین اصول ساختاری آن (چون مسأله علمی، مفروض، فرضیه، مفهوم، متغیر، روش و...) است. فرضیه در این گونه تحقیقات، جایگاهی برجسته و در عین حال موقعیتی غریب و بیگانه دارد. شناخت اصولی فرضیه و اهمیت و بایستگی آن و نحوه ساخت فرضیه، کمک شایانی به شکل‌گیری مطلوب و درست یک تحقیق دارد؛ آن هم در زمینه‌ای که دارای موضوعات و مسائل جدید و ناب است (اندیشه مهدویت).

آنچه در این نوشتار در صدد بررسی آن هستیم، گام‌های آغازین تولید دانش دینی (فرضیه‌سازی) و تبیین جایگاه «فرضیه» در مهدویت پژوهی است. یک پژوهش بایسته و نوآورانه، تحقیقی است که در آن تمرکز خاصی بر مسائل علمی صورت گیرد و پاسخ یا پاسخ‌های سامان یافته‌ای به دست دهد. اصولاً هر پژوهشی، روحی دارد و جسمی. جسم آن، قالب و ظاهر کلمات و روش‌های نظام‌مند تحقیق، گردآوری اطلاعات، ارزشیابی و سنجش و استدلال و استنتاج درست است. اما روح و باطن آن، دانش و نظام معنایی است که در کل تحقیق سریان دارد و هدایت و راهنمایی آن را عهده‌دار است. آنچه امروز اهمیت دارد، همین روح و باطن (دانش‌سازی و نظریه‌پردازی) است که عموماً با فرضیه‌سازی و فرضیات پژوهش، پیوند خورده است.

یک. چیستی فرضیه (HYPOTHESIS)

فرضیه، پاسخی احتمالی به سؤال اصلی تحقیق است. فرضیه‌های مختلف در یک تحقیق، پاسخ‌های محتمل و رقیب به سؤال اصلی محقق است.^۱ فرضیه، بیانیه‌ای احتمالی و حساب شده است که بار علمی پژوهش را بردوش می‌کشد. فرضیه یک جمله خبری است که رابطه علی و چگونگی تأثیرپذیری پدیده‌ها را مشخص می‌سازد. فرضیه نشانگر عمق بینش پژوهشگر است و دقت او را در کشف علت و معلول پدیده‌ها و بررسی فعل و انفعالات معرفی می‌کند.

به عبارت روشن‌تر فرضیه حدس یا گمان اندیشمندانه درباره ماهیت، چگونگی و روابط بین پدیده‌ها، اشیاء و متغیرها است که محقق را در تشخیص نزدیک‌ترین و محتمل‌ترین راه برای کشف مجهول کمک می‌کند. بر این اساس گمانی است موقتی که درست بودن یا نبودنش، باید مورد آزمایش قرار گیرد. فرضیه براساس

۱. محمود سریع‌القلم، روش تحقیق در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، تهران، فرزان، ۱۳۸۴ ش، ص ۱۱۰.

معلومات کلی و شناخت‌های قبلی یا تجارب پدید می‌آید!

این شناخت‌ها، ممکن است براساس تجارب یا مطالعات قبلی باشد، از منابع شفاهی به دست آمده باشد، یا در جریان مطالعه ادبیات تحقیق حاصل شده باشد. در هر صورت مجموع این منابع، می‌تواند ذهن محقق را آماده نماید تا درباره چگونگی متغیرها و روابط آنها، در تحقیق مورد نظر، حدس بزند و پیش‌بینی به عمل آورد و حاصل آن را در قالب قضایای حدسی و خبری تدوین کند. به نظر ریمون کیوی و لوک‌وان کامپنهود:

یک فرضیه رابطه‌ای را میان دو عبارت برقرار می‌کند که برحسب مورد، ممکن است مفاهیم یا پدیده‌ها باشند. لذا فرضیه یک قضیه موقتی یا یک گمانه است که می‌باید مورد رسیدگی قرار گیرد. روی این اصل فرضیه در مرحله بعدی تحقیق با داده‌های مشاهده مقابله داده می‌شود. [از منظر ابطال گرایی] برای آنکه فرضیه بتواند مورد بازبینی قرار گیرد، باید بطلان پذیر باشد. در این معنا که باید بتوان آن را به دفعات آزمود. برای این منظور فرضیه باید اولاً عمومیت داشته باشد و ثانیاً به گونه‌ای مطرح شود که قابلیت پذیرفتن گزاره‌های مخالف را - که از لحاظ نظری قابل بازبینی‌اند - داشته باشد و تنها رعایت این ضوابط روش‌شناختی است که اجازه می‌دهد روحیه تحقیقی را پرورش داد و یافته‌های موقتی شناخت را دائماً به زیر سؤال برد.^۱

تعاریف مختلف و گاهی متفاوت درباره فرضیه ارائه شده است که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱-۱. در *دائرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی* آمده است: «فرضیه، پاسخ احتمالی، اما سنجیده و بخردانه به مسأله تحقیق است که درستی و نادرستی آن، در مراحل بعدی تحقیق مورد آزمایش و بررسی قرار می‌گیرد».^۲

۱. محمدرضا حافظ‌نیا، *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی* تهران، سمت، چاپ یازدهم، ۱۳۸۴ش، ص ۱۱۰.
 ۲. ریمون کیوی و لوک‌وان کامپنهود، *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، توتیا، چاپ دوم، ۱۳۸۶ش، ص ۱۵۶.
 ۳. علیرضا شایان مهر، *دائرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی*، تهران، کیهان، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۳۹۷.

- ۱-۲. در فرهنگ و بستر آمده است: «فرضیه عبارت است از حالت یا اصلی که اغلب بدون داشتن اعتقادی نسبت به آن، پذیرفته می‌شود تا بتوان از آن، نتایج منطقی استخراج کرد و بدین ترتیب مطابقت آن را با واقعیت‌هایی که لزوماً معلوم است یا می‌توان آنها را معلوم ساخت، آزمود».^۱
- ۱-۳. «فرضیه، حدسی آزمایشی، هوشمندانه یا استنباطی، تعمیم آزمایشی و تجربی پیش‌بینی رویدادها یا پیش‌بینی نتایج یک بررسی است».^۲
- ۱-۴. «فرضیه (فرض تحقیق)، عبارت است از یک تصور ذهنی، حدسی یا احتمالی که محقق در مورد نتایج ویژه تحقیق، پیش از آزمایش و تجربه، پیش‌بینی می‌کند و یا به طور موقت قبول می‌نماید».^۳
- ۱-۵. پاسخ اولیه و مقدماتی به سؤال تحقیق یا راه‌حل پیشنهادی مسأله را فرضیه می‌گویند. [براین اساس] فرضیه حسّ بخردانه‌ای است که راه‌حل‌های احتمالی مسأله را پیشنهاد می‌کند و رابطه بین متغیرهای موجود در سؤال تحقیق را پیش‌بینی می‌کند».^۴
- ۱-۶. بیکر، فرضیه را حدسی آزمایشی درباره چستی پدیده‌ها، تغییر امور یا نحوه متقابل رویدادها می‌داند.^۵
- ۱-۷. گودس و اسکارت، فرضیه را «گمانی هوشمندانه یا استنباطی تعریف می‌کنند که به منظور توضیح واقعیات یا شرایط مشاهده شده و هدایت پژوهش‌های آینده، به طور مشروط تنظیم و پذیرفته می‌شود».^۶

۱. به نقل از: مصطفی ازکیا و علیرضا دربان آستانه، *روش‌های کاربردی تحقیق*، تهران، کیهان، ۱۳۸۲ش، ج ۱، ص ۱۷۱.
 ۲. همان.
 ۳. عزت‌الله نادری و مریم سیف نراقی، *روش‌های تحقیق در علوم انسانی*، تهران، بدر، چاپ بیست‌وششم، ۱۳۸۴ش، ص ۳۷.
 ۴. رمضان حسن‌زاده، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران، ساوالان، چاپ ششم، ۱۳۸۷ش، ص ۵۹.
 ۵. به نقل از: مصطفی ازکیا و علیرضا دربان آستانه، پیشین، ص ۱۷۱.
 ۶. همان.

۸-۱. مولی، فرضیه را «نوعی تعمیم آزمایشی دربارهٔ مسأله پژوهش و فرض قضیه‌ای می‌داند که قابل دفاع بودن آن براساس سازگاری مفاهیمش با شواهد علمی و تجربی و دانش، پیش‌آزمون می‌شود».^۱

۹-۱. تاکن، فرضیه را، پیش‌بینی رویدادها براساس تعمیم روابط مفروض بین دو متغیر تعریف می‌کند.^۲

۱۰-۱. فوکس، فرضیه را ایجاد فرصت و موقعیتی برای پژوهشگر می‌داند تا پیش از گردآوری واقعی داده‌ها، نتایج بررسی را پیش‌بینی کند. این پیش‌بینی‌ها را فرضیه پژوهش می‌نامیم.^۳

در مجموع در منابع معتبر و فرهنگ‌نامه‌ها فرضیه چنین تعریف شده است: «فرض عبارت از بیانیهٔ ظنی و حدسی، یا یک پیشنهاد آزمایشی و احتمالی دربارهٔ چگونگی روابط بین دو یا چند متغیر است».^۴ به عبارت ساده‌تر می‌توان گفت که ترکیب و ساختمان یک بیانیهٔ فرضی این گونه است: «اگر چنین و چنان رخ دهد، نتیجه چنین و چنان خواهد شد».

اندکی تأمل در تعریف یاد شده، نکاتی چند را به ذهن می‌رساند:

الف. فرضیه از نظر ساختار و جمله‌پردازی، جمله‌ای بیانی یا خبری است. به سخن دیگر به لحاظ قواعد دستور زبان، در آخر جمله فرض، «نقطه» قرار دارد.
ب. این جمله خبری در خصوص چگونگی روابط متغیرهای مورد مطالعه، ظنی و گمانی است. این ظن و گمان، مأخذ و مرجع عقلی و استثنایی دارد و وهمی و پنداری نیست.

ج. این جمله خبری ظنی عقلی، اشارهٔ مستقیم به توضیح و تبیین چگونگی رابطهٔ

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. به نقل از: عزت‌الله نادری و مریم سیف نراقی، پیشین، ص ۳۵.

بین دو یا چند متغیر مورد نظر محقق دارد.

با توجه همه این تعاریف و توضیحات می‌توانیم فرضیه را چنین تعریف کنیم:
«فرضیه، پاسخی حدسی و احتمالی برای کشف مجهول یا بیان رابطه بین پدیده‌ها و متغیرهای تحقیق است که به صورت بیانیه موقتی و مقدماتی ارائه شده و راهنمایی پژوهش را بر عهده دارد».

دو. جایگاه فرضیه در پژوهش

فرضیه‌سازی، به رغم پندارهای برخی از منکران و مخالفان آن، گامی مهم در نظریه‌پردازی است و بدون آن، نظام معنایی جدید به صورت اصولی و درست شکل نمی‌گیرد. مشکلی که در اینجا رخ نموده، نگاه پوزیتیویستی^۱ و تجربی‌گرایانه به «فرضیه» است که آن را منفی و ناموجه جلوه داده است. این ابهام و منفی‌نگری، تا حدودی درست است؛ اما فراگیر نیست؛ زیرا می‌توان بر اساس نیازها و گونه‌های

۱. پوزیتیویسم یا اثبات‌گرایی، اصطلاحی فلسفی است که به آن مکتب تحقیقی یا اثباتی نیز گفته‌اند. این مکتب تنها تجربه را منبع واقعی معرفت می‌داند!! در قرن ۱۸ توسط فیلسوف و جامعه‌شناس فرانسوی اگوست کنت، ساخته و به کار رفته شد. کنت بر این باور بود که جبری تاریخی، بشریت را به سمتی خواهد برد که نگرش دینی و فلسفی از بین رفته و تنها شکلی از اندیشه که باقی می‌ماند، متعلق به اندیشه قطعی و تجربی علم است!! در واقع به نظر پوزیتیویست‌ها، تنها روش علمی، اثبات‌گرایی تجربی است.

پوزیتیویسم دارای شاخه‌های گوناگون است که مهم‌ترین آن پوزیتیویسم منطقی است. این رویکرد در سال ۱۹۲۹ به صورت رسمی از سوی حلقه وین به جهانیان اعلام شد. پوزیتیویسم مورد نقد بسیاری از دانشمندان و متفکران قرار گرفت و بعد از مدتی شالوده‌های آن فرو ریخت. جان پاسمور، مورخ تاریخ فلسفه معاصر در سال ۱۹۷۲ در مقاله‌ای پوزیتیویسم منطقی را مکتبی مرده اعلام کرد. استاد مصباح یزدی در مورد این مکتب می‌گوید: «یک مکتب افراطی به نام پوزیتیویسم (اثباتی، تحصیلی، تحقیقی) که اساس آن را اکتفا به داده‌هایی بی‌واسطه حواس تشکیل می‌داد و از یک نظر، نقطه مقابل ایده آلیسم به شمار می‌رفت. کنت حتی مفاهیم انتزاعی علوم را که از مشاهده مستقیم به دست نمی‌آید، متافیزیکی و غیر علمی می‌شمرد و کار به جایی رسید که اصولاً قضایای متافیزیکی، الفاظی پوچ و بی‌معنا به حساب می‌آمد (آموزش فلسفه، ج ۱، ص ۵۰). در مجموع می‌توان پوزیتیویسم را چنین تعریف کرد: «فلسفه‌ای است که چون معرفت واقعی را معرفتی مبتنی بر تجربه حسی می‌داند که فقط با آزمایش و مشاهده مسیر است، هرگونه مساعی نظری را برای کسب معرفت با عقل محصل، بدون مداخله تجربه، خطا می‌داند. (آرن نائس، کارناب، ترجمه منوچهر بزرگ مهر، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۲ش) ص ۲۱. ویژگی‌های پوزیتیویسم را می‌توان این‌گونه بیان کرد:

۱. منکر وجود هر نوع دریافت اشرافی یا ادراک عقلانی کلی است؛ ۲. به اصالت دژه و جزئی‌نگری معتقد است؛ ۳. تنها روش ادراک امور را روش تجربی - آزمایشگاهی می‌داند؛ ۴. هر نوع قضیه معرفت‌شناسانه را که از طریق روش حسی - تجربی قابل مطالعه نباشد، مهمل یا غیر علمی می‌نامد!! ۵. اساس رویکرد علوم جدید پوزیتیویستی است!!

مختلف پژوهشی، فرضیه یا فرضیاتی ارائه داد و به آموزه‌های پوزیتیویستی بی‌توجه بود. در واقع معادل قرار دادن فرضیه با پوزیتیویسم، اشتباه بزرگی است که مانع ارائه نظام‌مند و علمی دانش‌ها و معارف نو است.

پیش از بیان جایگاه «فرضیه» بهتر است بدانیم که: هر تحقیقی بسته به موضوع خود، می‌تواند یک یا بعضی از خصلت‌های زیر را در خود منعکس نماید:

۱. **تحلیل:** جست‌وجو در اجزای یک کلّ و توصیف روابط متقابل آن اجزا با یکدیگر؛

۲. **مقایسه:** بررسی ویژگی‌های مشترک و وجوه شباهت یا افتراق یک موضوع؛

۳. **تعریف:** به دست دادن تعریفی جامع از طریق توضیحات و بر شمردن مختصات شیء یا پدیده مورد نظر؛

۴. **توصیف:** معرفی بسط یک امر از طریق بر شمردن ویژگی‌ها، جوانب و حدود موضوع؛

۵. **نقد و داوری:** سنجیدن ارزش و عیار یک امر (موضوع) و کوشش به منظور صدور حکم و ارزش‌گذاری درباره آن؛

۶. **استشهاد:** به دست دادن نمونه‌های مشابه برای تأیید و اثبات یک موضوع به منظور توضیح هرچه بیشتر؛

۷. **اثبات حکم:** حکم به درستی یک امر از طریق برهان منطقی و استدلال عقلی^۱ با توجه به این خصلت‌ها، می‌توانیم بگوییم که تحقیق انواع مختلفی دارد؛ از جمله:

الف. تحقیق بنیادی (نظری): تحقیقی است که از نظر زمانی دید بلند مدت داشته باشد، از حالت انتزاعی و قیاسی برخوردار باشد و در صدد گسترش شناخت و دانش بشری در دراز مدت باشد و نه ارائه راه حل‌های آنی و کوتاه مدت. لذا دامنه این نوع تحقیقات وسیع و گسترده است و به مسائل کلی و انتزاعی می‌پردازد.

۱. محمدجعفر یاحقی و محمدمهدی ناصح، *راهنمای نگارش و ویرایش*، مشهد، به نشر، چاپ پنجم، ۱۳۸۶ش، ص ۱۰۴.

ب. **تحقیق علمی (یا کاربردی)؛** تحقیقی است که از نظر زمانی، دید محقق یک دید کوتاه مدت است و مسائل از نوع مسائل مبتلا به جامعه و از حالت عینی و استقرایی و مشاهده‌ای برخوردار است و در صدد حل مسائل و مشکلات فعلی و موجود و ارائه راه حل‌ها برای رفع آنها است. بنابراین مسائل آن از مسائل خاص و موردی است و کاربرد آنی و فوری دارند.

ج. **تحقیق توسعه‌ای؛** تحقیقی است که علم را از دید توسعه می‌نگرد. به سخن دیگر، علم را به صورت فرآیندی می‌نگرد که دائماً باید در تکاپو و پویایی به سر برد و هیچ‌گاه در نقطه ثابتی توقف نکند. لذا از این دیدگاه کشف علمی، گامی است در جهت توسعه بعدی و کشف دیگر. در انواع سه‌گانه تحقیق (بنیادی، توسعه‌ای و عملی) ملاک کاربردی بودن مسأله، یعنی، راه حل‌های صاحب نظران و دست اندرکاران کاملاً رعایت می‌شود.^۱

مهم‌ترین گام در تولید علمی و پژوهش بایسته و مطلوب و درک ضرورت «فرضیه»، تعیین مسیر و نوع تحقیق است. پس از آنکه پژوهشگر رویکرد پژوهشی خود را انتخاب و مسائل علمی را مشخص کرد، توجه خود را به بایسته‌های آن - به ویژه وجود فرضیه - معطوف می‌دارد. فرضیه پاسخ حدسی و احتمالی به سؤال اصلی است که رابطه و تأثیرپذیری پدیده‌ها را در یک پژوهش به صورت ذهنی بیان می‌کند.

در کنکاش مقدماتی محقق، این سؤال مطرح است که: پژوهش وی، نیاز به فرضیه دارد یا نه؟ به نظر برخی:

تحقیقات علمی از هر نوعی که باشند، نیاز به تدوین فرضیه دارند؛ زیرا تحقیق علمی، تلاشی است برای معلوم کردن مجهول یا حل مسأله و مجهول ممکن است ماهیت یا شیء یا پدیده باشد، یا ممکن است وضعیت

۱. مهدی ساده، روش‌های تحقیق با تأکید بر جنبه‌های کاربردی، تهران، مؤلف، ۱۳۷۵ش، ص ۳۰.

و حالات آن باشد، یا ممکن است از سنخ رابطه بین پدیده‌ها، اشیاء و متغیرها باشد. همچنین ممکن است این مجهولات، مربوط به گذشته باشند و ممکن است مربوط به حال یا آینده... در هر حال همه آنها روش تحقیق علمی را طلب می‌کنند. پس در تحقیقات علمی پژوهشگران ناگزیرند نسبت به ساختمان و پردازش فرضیه اقدام کنند^۱.

به عبارت روشن‌تر، در تحقیقات توصیفی، فرضیه‌ها مبین وجود حالات، شرایط، صفات، ویژگی‌های اشیاء و اشخاص، موقعیت‌ها، پدیده‌ها و رخدادهایی هستند که نسبت وقوع رویدادها، صفات، ویژگی‌های اشیاء و پدیده‌ها را توضیح می‌دهند. این دیدگاه هرچند به پاره‌ای از حقایق و ضرورت‌های پژوهش اشاره دارد؛ اما نمی‌توان به طور مطلق آن را پذیرفت؛ زیرا با اینکه فرضیه یکی از قوی‌ترین ابزارهای تحقیق است؛ اما همیشه وجود آن در پژوهش ضروری نیست و به رغم آنکه تدوین فرضیات مناسب، کیفیت پژوهش را افزایش می‌دهد، در موارد زیر نیازی به فرضیه نمی‌باشد:

الف. در مطالعاتی که به منظور بررسی وضعیت پدیده‌ای انجام می‌گیرد، فرضیه‌ها ضرورت اساسی ندارند؛ هرچند یک فرضیه آزمایشی، می‌تواند در هدایت پژوهشگر به قلمروهایی که ارزش تحقیق دارند، مفید واقع شود.

ب. در پژوهش‌های پیمایشی - توصیفی که با هدف بررسی وضعیت انجام می‌گیرد (برای توصیف عینی، واقعی و منظم خصوصیات یک موقعیت یا موضوع)، فرضیه‌ها ضرورت بنیادی ندارند و به جای ساختن فرضیه‌ها، می‌توان با تنظیم سؤال‌های پژوهشی، تحقیق را انجام داد.

ج. در پژوهش‌های میدانی (تحقیق تجربی درباره پدیده کنونی یا زمان معاصر در چارچوب یا بستر زندگی واقعی) و اکتشافی نیز فرضیه ضرورت ندارد و بیان فرضیه‌های رسمی در این نوع پژوهش‌ها، می‌تواند باعث سوگیری محقق می‌شود.

۱. حیدر علی هومن، پایه‌های پژوهش در علوم رفتاری، تهران، بی جا، چاپ سوم، ۱۳۸۰، ص ۴۳.

بنابراین در پژوهش‌های اکتشافی، هر قدر اندیشه‌هایی که قبلاً پژوهشگر به آنها اندیشیده کمتر باشد، پژوهش موفق‌تر خواهد بود و بهتر است به منظور اجتناب از سوگیری پژوهشگر، روابط بین متغیرها پیش‌بینی نشود.^۱

به طور کلی در پژوهش‌هایی که به بررسی روابط بین متغیرها^۲ پرداخته می‌شود، استفاده از فرضیات استنباطی ضروری است. فرضیات نقش مهمی در جهت دادن به فرآیند تحقیق بر عهده دارند و به پژوهشگر در تعیین روش‌ها، فنون و ابزار گردآوری داده‌ها، نحوه تحلیل و تفسیر نتایج و نهایتاً تدوین ساختار اصلی گزارش تحقیق کمک می‌کنند؛ با این وجود تنظیم و تدوین آن در همه تحقیقات ضروری نیست^۳ و متناسب با نوع پژوهش، باید به دنبال طرح فرضیه بود. همچنین تدوین فرضیات بر اساس مشاهدات خاص، ممکن است به تحلیل‌ها و تفاسیر نادرستی بینجامد. البته ساختن فرضیه‌های اضافی بعد از گردآوری - به شرط آنکه فرضیات بر اساس داده‌های جدید آزمون شوند - اشکالی ندارد. با این حال هر پژوهشی با موانع و کاستی‌هایی روبه‌رو است که محقق باید با دید باز، با آنها برخورد کرده و راهکار مناسبی برای حل آنها بیابد. یکی از این مشکلات، بن‌بست در فرضیه‌ها است که از شتاب‌زدگی در کار تحقیق به وجود می‌آید و آن وقتی است که محقق قبل از تدوین فرضیه‌های تحقیق و قبل از آنکه دقیقاً بدانند در جست‌وجوی چیست، شتاب زده به جمع‌آوری اطلاعات و انتخاب و آماده‌سازی فنون تحقیق پردازد!! بارها از زبان پژوهشگران تازه کار شنیده شده که می‌خواهند به بررسی فلان مطلب پردازند؛ بدون آنکه هنوز فرضیه تحقیق آنها معلوم باشد. به عبارت دیگر، بدون آنکه بدانند

۱. کومار، کریشان، *روش‌های پژوهش در کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ترجمه فاطمه‌دوست، تهران، انتشارات کتابخانه ملی ایران، ۱۳۷۴ش، ص ۲۵ و ۳۴.
 ۲. متغیر به ویژگی یا صفتی یا عاملی اطلاق می‌شود که بین افراد جامعه مشترک بوده، می‌تواند مفاد کمی و ارزش‌های متفاوتی داشته باشد.
 ۳. مصطفی ازکیا و علیرضا دربان آستانه، پیشین، ص ۱۶۷.

دنبال چه هستند، پژوهش را شروع می‌کنند؟! تنها وقتی می‌توانیم فن یا فنون پرس و جو را انتخاب کنیم که پیش‌تر از ماهیت اطلاعاتی که می‌خواهیم جمع‌آوری کنیم، مطلع باشیم. لذا قبل از هر اقدامی برای جمع‌آوری اطلاعات، باید طرح تحقیق را آماده و براساس آن، فرضیه را تدوین کرد.^۱

برخی فکر می‌کنند برای کشف پاسخ‌هایی که در جست‌وجوی آن هستند، همین کافی است که حداکثر اطلاعات را جمع‌آوری کرده، آنها را به کمک بعضی از فنون شناخته شده تحقیق، تجزیه و تحلیل کنند.

آنان در این صورت به نتایجی می‌رسند که نه تنها فاقد ارزش علمی است؛ بلکه مایه سرخوردگی نیز می‌شود. از آنجایی که پژوهشگران - به خصوص در عرصه مهدویت پژوهی - عموماً با مباحث جدیدی روبه‌رو هستند و در ضمن می‌خواهند به درستی از فرضیه استفاده کنند؛ باید ابتدا بینش و نگرش درستی نسبت به اهمیت و چیستی آن داشته باشند و در صورت امکان و ضرورت از فرضیات متناسب در پژوهش خود استفاده کنند.

سه. ارجمندی و کارکردهای فرضیه

فرضیه - چه از نظر موافقان آن و چه از نظر مخالفان آن - ارزش بسیار مهم و حیاتی در تحقیقات علمی دارد و موجب سامان‌بخشی پژوهش و شکل‌گیری اندیشه‌ها و ایده‌های نو است.

فرضیه، توجیه و تبیین‌های حدسی معینی را دربارهٔ واقعیات عرضه می‌کند و پژوهشگر را در بررسی این واقعیات و تجارب کمک و هدایت می‌کند. فرضیه یک پیشنهاد توجیهی و به زبان دیگر راه‌حل مسأله است که هم به یافتن نظم و ترتیب در بین واقعیات کمک می‌کند و هم باعث استنتاج می‌شود. یافته‌های علمی دانشمندان، معمولاً در پی یک «فرضیه و حدس و گمان علمی» مقدور شده است. آنها ابتدا به

۱. ریمون کیوی و لوک وان کامپنهود، پیشین، ص ۹ و ۱۰.

صورت‌بندی فرضیه اقدام کرده و سپس در مورد آن به تحقیق و جست‌وجو پرداخته‌اند.^۱ فرضیه‌ها ضمن اینکه برای پیگیری و انجام دادن امور تحقیق، به طور کلی به محقق جهت می‌دهند؛ باعث می‌گردند که مطالعه منابع و ادبیات مربوط به موضوع تحقیق جهت‌دار شود و از مطالعه منابعی که ربطی به پژوهش ندارند، جلوگیری به عمل آید. همچنین پژوهشگر را نسبت به جنبه‌های موقعیتی و معنی‌دار مسأله پژوهش حساس‌تر می‌نمایند و باعث می‌شوند محقق، مسأله پژوهش را بهتر درک کند و روش‌های جمع‌آوری اطلاعات را بهتر تعیین نماید. فرضیه‌ها، مانع پراکنده کاری، زیاده‌نویسی، خروج از مسیر تحقیق و مبهم‌گزینی هستند.

فرضیه‌ها یکی از نیرومندترین ابزار تحقیق به شمار می‌آیند که برای «رسیدن به دانش قابل اطمینان» ابداع شده‌اند. فرضیه‌ها دارای کارکردهای متعددی در فرآیند تحقیق‌اند که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱-۳. فرضیه‌ها پژوهشگر را هدایت می‌کنند تا پژوهش به دقت انجام شده و به نتایج ثمربخش برسد.

۲-۳. فرضیه‌ها هدف نیستند؛ بلکه بیشتر وسیله‌هایی هستند که پژوهشگر را در درک روشن‌تر مسأله مورد بررسی و مسائل فرعی وابسته یاری می‌کنند.

۳-۳. فرضیه‌ها به پژوهش جهت می‌دهند، مانع مرور مطالعات و متون نامربوط می‌شوند و برای پژوهشگر مشخص می‌کنند که چه مطالبی نامربوط است.

۴-۳. فرضیه‌ها به پژوهشگر کمک می‌کنند روش‌ها، فنون و ابزارهای گردآوری داده‌ها را - که باید در خدمت حل مسائل باشند- مشخص نموده و روش‌ها و فنون و ابزارهایی را که فراهم آورنده داده‌های لازم برای آزمون فرضیه‌ها نیستند، کنار بگذارد.^۲

۱. محمدرضا حافظ‌نیا، *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران، سمت، چاپ یازدهم، ۱۳۸۴ش، ص ۱۱۱.
 ۲. ر.ک: کومار کریشان، پیشین، ص ۵۴.

۳-۵. فرضیه‌ها امکان گردآوری داده‌های مربوط به پژوهش و مسأله را فراهم کرده، مانع گردآوری داده‌های بی‌فایده و اضافی می‌شوند. در واقع تعریفی از داده‌های مربوط و نامربوط به محقق می‌دهند و بدیهی است که واقعیت‌ها، تنها زمانی معنا و مفهوم می‌یابند که در پرتو فرضیه‌های معقول، مورد توجه و بررسی قرار گیرند.

۳-۶. فرضیه‌ها، پژوهشگر را یاری می‌کنند تا اطلاعاتی را که با توجه به میزان ارتباط با موضوع و نظام‌مند بودن گردآوری شده، رده‌بندی کند. اطلاعات مربوط به هر فرضیه جداگانه دسته‌بندی می‌شود و در نتیجه ساختار تحلیل آماری به دست می‌آید!

۳-۷. فرضیه‌ها، امکان تفسیر داده‌های گردآوری شده را در پرتو راه‌حل‌های بالقوه، فراهم می‌آورند. همچنین نقش چارچوبی برای بیان منطقی و معقول نتایج پژوهش دارند و به عبارتی پاسخی مستقیم به فرضیه‌های آزمون شده‌اند.

۳-۸. فرضیه‌ها، ساختار اصلی گزارش بدون تحلیل داده‌ها می‌باشند و نتایج احتمالی را فراهم می‌کنند و موجب می‌شوند خواننده گزارش پژوهش، بداند پیش‌بینی‌ها و انتظارات پژوهشگر پیش از آغاز بررسی، چه بوده است.

۳-۹. فرضیه‌ها، محقق را در شناختن بیش از پیش حقایق و پدیده‌ها و گسترش و افزایش هر چه بیشتر اطلاعات و دانش او نسبت به آنها یاری می‌دهند. ردّ یا پذیرش هر فرضیه پس از آزمون، دانش و اطلاعات جدیدی را برای پژوهشگر به ارمغان می‌آورد که این اطلاعات تا پیش از آزمون فرضیه مورد نظر، جنبه فرض، حدس و گمان را دارد!

به هر حال رابطه فرضیه با تحقیق، مثل رابطه راه و جاده با مسافرت است. هرچه راه و جاده، هموارتر و مطمئن‌تر باشد، مسافرت راحت‌تر و بی‌خطرتر می‌شود.

۱. مصطفی ازکیا و علیرضا دربان آستانه، پیشین، ص ۱۷۲ و ۱۷۳.
 ۲. مهدی ساده، پیشین، ص ۳۷.

بنابراین در تحقیقی که فاقد فرضیه باشد، محقق سرگردان و بلا تکلیف است. اما پرسش این است که فرضیه یا فرضیات پژوهش چگونه شکل می‌گیرند؟!

چهار. مسأله علمی (سؤال) و ارتباط آن با فرضیه

یکی از انگاره‌های اساسی تحقیق پیش از پردازش فرضیه، شکل‌گیری مسأله علمی در آن است. در واقع هر تحقیق و پژوهش علمی، با یک سری دغدغه‌ها، ابهام‌ها و پرسش‌ها شکل می‌گیرد که به آن «مسأله تحقیق» گفته می‌شود.

وظیفه محقق پس از مشخص کردن هدف‌های تحقیق، تبدیل یا انتقال هدف‌ها، به مسائل علمی است. معمولاً در هر جامعه، مسائل و مشکلات مختلف و عدیده‌ای وجود دارند که هر یک از آنها و علل و چگونگی آنها، می‌تواند هم به بیان و تعبیر مردم عامی طرح شود و هم از دیدگاه علمی یک محقق. برای مثال پدر و مادری که در اطراف طلاق فرزند خود صحبت می‌کنند، ممکن است علت جدایی را «وصله ناجور بودن» همسر او، تعبیر کنند. این تعبیر یک تعبیر غیر علمی است که ممکن است پژوهشگر، با دید وسیع‌تر و علمی‌تر خود آن را با اصطلاح «اختلاف فرهنگی» در زوجین مطرح کند. بنابراین، هر علمی زبان خاص خود را دارد و هر زبان علمی، از تعدادی اصطلاحات، مفاهیم، واژگان، علائم و سمبل‌ها به وجود می‌آید.

در زمینه «اندیشه مهدویت» نیز این بحث به روشنی دیده می‌شود و دغدغه‌ها و مسائل علمی گاهی به زبان غیر علمی و به گفتار عامیانه طرح می‌شود؛ در حالی که هر پژوهشگر با دقت و تأمل در مفاهیم و روابط پدیده‌ها، باید بتواند سؤالات و موضوعات خود را با اصطلاحات علمی و روش‌مند مطرح کند. برای مثال در بحث آثار «انتظار» ممکن است به طور ساده و ابتدایی گفت: انتظار، ایجاد امید و سرزندگی می‌کند؛ اما با نگاه علمی و درست، می‌توان از اصطلاح «تأثیر روان‌شناختی انتظار» استفاده کرد؛ آن‌گاه معیارها و شاخص‌هایی برای آن برشمرد. برای رسیدن به این رویکرد علمی، نیازمندیم که دغدغه‌ها، پرسش‌ها و موضوعات

خود را تبدیل به «مسأله علمی» کنیم.

مسأله علمی، دغدغه و پرسشی است که در ذهن پژوهشگر دربارهٔ یک پدیده، مشکل یا معضل مطرح می‌شود. هدف وی از طرح این سؤال ذهنی، ریشه‌یابی علت یا علل به وجود آمدن آن پدیده، مشکل یا معضل است. چه چیزی این پدیده یا مشکل را به وجود آورده است و چرا؟ به سخن دیگر، محقق با طرح چنین سؤالی، به دنبال راه‌حل‌ها و چاره‌یابی‌ها است و از این نظر هر پدیده یا مشکلی که به نحوی ذهن پژوهشگر و توجه او را به خود جلب کند، می‌تواند موضوع تحقیقش قرار گیرد. منتها لطافت و ظرافت کار پژوهنده در آن است که موضوع تحقیق مورد نظر را - که با تعبیرات عامیانه و غیر علمی در سطح جامعه یا یک گروه خاص مطرح است - به زبان علمی و تحقیقی تبدیل کند. پس از مهم‌ترین وظایف محقق است:

«انتخاب یک معضل عمومی با بیان عامیانه، تبدیل آن به زبان و مسأله علمی، بررسی و مطالعه آن با استفاده از روش‌های علمی و تحقیقی، نیل به شناخت علمی در مورد علل و روابط مربوط به مسأله مورد نظر و در پایان برگرداندن آن از زبان علمی به زبان عامیانه، به منظور ارائه راه‌حل‌ها و چاره‌سازی‌ها»^۱.

پس بیان موضوع تحقیق به زبان علمی، در واقع همان طرح مسأله تحقیق در قالبی روشن و دقیق براساس ضوابط علمی است. هر تحقیقی به دنبال طرح مسأله‌ای آغاز می‌شود. اگر این مسأله در ذهن محقق از وضوح و روشنی لازم برخوردار نباشد، محقق اجباراً به کلیات می‌پردازد و به این ترتیب، خود را از علم و روش علمی دور می‌سازد. لذا برای جلوگیری از کلی‌بافی و نتیجتاً کلی‌گویی، لازم است که پژوهشگر در مورد پدیده یا مسأله مورد نظر، به تفکرات بیشتری بپردازد و در قدم بعدی، از طریق بررسی ادبیات و منابع مربوط، ذهن خود را در مورد مسأله مزبور روشن می‌سازد. و پس از آن از مشورت با صاحب نظران و کسب نظرات دیگران

۱. همان، ص ۲۶.

دریغ نوزد. پژوهش‌های کاربردی، مسأله محوری دارند؛ بدین معنا که تمام فرآیند پژوهش از اولین گام‌های آن تا آخرین مراحل استنتاج، می‌باید پیرامون یک یا چند مسأله یا مشکل دور بزند. بنابراین روشن کردن مشکل یا مسأله در این‌گونه تحقیقات، یکی از ضروری‌ترین و اولین گام‌های پژوهش است. همچنین در تحقیقات بنیادی، به لحاظ داشتن ماهیت انتزاعی، تعیین محدوده‌های آن لازم است.

بنا به نوشته برخی از نویسندگان، یکی از اصول پژوهش «مسأله محوری» است؛ یعنی، تحقیق اساساً با درگیری محقق با یک مسأله یا حداقل مواجهه او با یک مشکل آغاز می‌گردد. پژوهش چیزی جز تلاش روشمند محقق برای حل مسأله نیست. تفاوت عمده اطلاع‌رسانی یا آموزشی با پژوهش در همین نکته است. پژوهشگر کسی است که با معضله‌ای نظری یا عملی رو به رو می‌شود و در مقام حل آن، به پژوهش می‌پردازد. همه گام‌های تحقیق و مباحث آن به سوی حل مسأله جهت‌گیری می‌شود... مراد از مسأله در تحقیق غیر از پرسش در برنامه آموزشی است. پرسش لزوماً مسبوق به مطالعه نظام‌مند نیست؛ بلکه مواجهه دانش‌آموز یا دانشجو با امر مبهمی است که قبلاً جواب یافته است و الهام صرفاً به مقام یادگیری متعلق است؛ اما مسأله در گام نخست معضله‌ای است مسبوق به مطالعه نظام‌مند که پاسخ به آن، نه به آموزش که به پژوهش محتاج است. مسأله، بر خلاف پرسش، محفوف به مطالعه‌های نظام‌مند است...»^۱

بر این اساس طرح مسأله و آن‌گاه طرح فرضیه، برای تحقیق، مهم‌ترین رکن آن محسوب می‌شود و با نگرش به هدف‌های تحقیق، صورت مسأله باید برای محقق روشن شود؛ زیرا به عنوان یک اصل اساسی، حل مسأله نیازمند شناخت خود مسأله است و بدون شناختن و روشن کردن صورت مسأله، هیچ مسأله‌ای قابل حل نخواهد بود. یکی از مشکلاتی که در «مهدویت پژوهی» مشاهده می‌شود، ابهام در موضوع پژوهش برای خود محقق است؛ زیرا عرصه مهدویت، عرصه‌ای حساس، ظریف و

۱. ر.ک: احد فرامرزی قرا ملکی، اصول و فنون پژوهش در گستره دین پژوهی، قم، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه، چاپ دوم، ۱۳۸۵ش، ص ۷۰ و ۷۱.

دقیق بوده و بسیاری از موضوعات و معارف آن بکر و دست نخورده است. به همین جهت شناخت دقیق مسأله علمی و تبیین درست آن، راه را برای شکل‌گیری پژوهشی نظام‌مند و متمرکز فراهم می‌سازد.

پس از انتخاب و تعریف و تبیین مسأله، محقق باید تصویری ذهنی از چگونگی متغیرها و نحوه ارتباط آنها با یکدیگر ارائه دهد تا بر اساس آن، تلاش کاوشگرانه خود را آغاز کند و از صحت و سقم آن اطمینان حاصل نماید. برای این کار به بیان سؤالات اصلی و فرعی تحقیق می‌پردازد. آن‌گاه وارد مرحله بعدی می‌شود و اقدام به تدوین فرضیه و تبیین قضایای فرضی و پیشنهادی در چارچوب مسأله تحقیق خود می‌نماید؛ به نحوی که چگونگی متغیر یا پدیده و نیز روابط آنها را به یکدیگر توضیح دهد.^۱

فرضیه‌ها به محقق کمک می‌کنند تا از بین طرق فراوان رسیدن به مقصد، تنها چند مورد آن را که بیش از همه نزدیک‌تر به مقصد به نظر می‌رسد، برگزیند و سهل الوصول‌ترین راه‌ها و محتمل‌ترین جهت‌ها را برای رسیدن به هدف تحقیق انتخاب کند. این کار پس از طرح و تبیین دقیق و روشن مسأله علمی و سپس طرح سؤالات مختلف صورت می‌گیرد.

سؤالات تحقیق

محقق پس از بیان مسأله تحقیق، اهداف و متغیرهای تحقیق، به تدوین سؤالات تحقیق اقدام می‌کند. باید سؤالات تحقیق بر اساس اهداف و متغیرهای پژوهش به صورت درست تدوین و بیان شوند؛ زیرا به طور طبیعی، روش‌های تحقیق بر اساس سؤالات تحقیق انتخاب می‌شوند. وقتی که یک تحقیق را مطالعه می‌کنیم، معمولاً اولین چیزی که در مورد آن دقت می‌کنیم، سؤالات تحقیقی است که باید به آن‌ها

۱. محمد رضا حافظ نیا، پیشین، ص ۱۹.

پاسخ داده شود. فهم آن دسته از پژوهش‌هایی که دارای سؤالات تحقیق مناسب هستند، در مقایسه با پژوهش‌های دیگر، آسان‌تر است. در بیان سؤالات تحقیق، پژوهشگر باید به موضوع و مسأله، اهداف کلی و اهداف اختصاصی تحقیق توجه کند. تعداد و پیچیدگی سؤالات تحقیق به ماهیت تحقیق، دامنه زمانی و مکانی تحقیق، امکانات و منابع قابل دسترسی و اهداف تحقیق بستگی دارد. یکی از ویژگی‌های یک محقق کارگشته، توانایی او در تدوین سؤالات تحقیق خوب است. بیان سؤالات معنادار و قابل آزمون اغلب مهم‌ترین مرحله یک تحقیق است. آلبرت اینشتین در این باره می‌گوید: «تدوین یک مسأله، اساسی‌تر از حل آن است؛ چون که حل یک مسأله صرفاً یک مهارت ریاضی و تجربی است. ایجاد سؤالات جدید و احتمالات جدید در مورد مسائل قدیمی از یک زاویه جدید، مستلزم تخیل خلاق است و نشانه پیشرفت واقعی در علم است»^۱.

صاحب نظران مختلف، برای بیان سؤال تحقیق، ملاک‌های زیر را معرفی کرده‌اند:

- مسأله باید رابطه دو یا چند متغیر را بیان کند؛

- مسأله باید روشن، بدون ابهام و به صورت سؤالی بیان شود؛

- آزمون‌پذیر باشد (با استفاده از روش‌های موجود)؛

- فارغ از قضاوت‌های اخلاقی و قانونی باشد و ...

بر این اساس مسائل علمی فراوانی در «مهدویت پژوهی» قابل طرح است که به

بعضی از آنها اشاره می‌شود:

۱. آیا خانواده، تأثیری در انتقال فرهنگ مهدوی دارد؟

۲. آیا نظام اقتصادی جهان (در فرآیند جهانی شدن)، تأثیری در تسریع ظهور دارد؟

۳. وضعیت، ماهیت و بافت سیاسی کشورها، با سقوط آنها در عصر ظهور چه

ارتباطی دارد؟

۱. ر.ک: رمضان حسن زاده، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران، ساوالان، چاپ ششم، ۱۳۷۸ش، ص ۵۴ و ۵۵.

۴. اصلاحات مهدوی، به چه صورت و به نفع کدام طبقات، ساختار قدرت جهانی را تغییر خواهد داد؟
۵. آیا بین عزت نفس و آمادگی برای ظهور، ارتباط وجود دارد؟
۶. طرز تفکر دانش آموزان مقطع راهنمایی، درباره انتظار منجی چگونه است؟
۷. آیا بین عدالت از منظر جان راولز و عدالت در اندیشه مهدویت تفاوت وجود دارد؟
۸. آیا امیدواری از تأثیرات روان‌شناختی انتظار است؟
۹. آیا اختلاف فرهنگی، می‌تواند مانع وحدت و انسجام مردم در عصر ظهور باشد و ...؟

پژوهشگر پس از تدوین سؤالات تحقیق، باید برای آن‌ها پاسخ یا راه حل بیابد؛ پاسخ اولیه و مقدماتی او به سؤال تحقیق، فرضیه است. بر این اساس استفاده از مسأله و فرضیه در تحقیقات، دارای مزایای بسیاری است؛ از جمله اینکه مسأله و فرضیه تحقیق، راهنمای محقق در پیشبرد کار تحقیق است. روابطی که در مسأله مطرح می‌شود، برای پژوهشگر روشن می‌کند که چه کاری انجام دهد و در واقع، به دنبال چه چیزی یا چه کاری باشد. روابط مزبور در فرضیه، وظیفه محقق را از این نظر معین می‌کند که در تحقیق و در حین پیشرفت آن، چگونه موضوع مطرح شده در مسأله علمی را دنبال کند. پس اگر مسأله، وظیفه محقق را روشن می‌کند، فرضیه چگونگی انجام آن را بیان می‌دارد. اولی مشخص می‌کند که پژوهنده باید چه کاری انجام دهد و دومی مشخص می‌کند چگونه باید انجام دهد. یکی «جای» را نشان می‌دهد و دیگر «راه» را.

پنج. انواع فرضیات تحقیق

در تحقیقاتی که پژوهنده عنایت به توضیح و تبیین چگونگی روابط بین متغیرها را ندارد، اصولاً فرضیه - حسب تعریفش - مصداق ندارد؛ لذا فرضیه تنها در تحقیقاتی مطرح است که در آنها محقق تلاش دارد، چگونگی رابطه یا روابط بین متغیرها را

صراحت بخشد. بیشتر پژوهش‌های مربوط به مهدویت نیز ظرفیت و زمینه استفاده از فرضیه را دارا هستند که به نمونه‌هایی از آنها اشاره خواهد شد.

چگونگی روابط متغیرها - که معمولاً مورد بررسی و دستکاری پژوهشگران قرار می‌گیرد - از حالات زیر خارج نیست:

الف. پژوهشگر به دنبال بررسی و مقایسه تفاوت و تأثیر دو یا چند متغیر بر یک یا چند متغیر دیگر است. برای مثال، هنگامی که مقایسه و مطالعه دو روش مختلف ترویج فرهنگ مهدویت (روش اقناعی و روش توجیهی)، مورد توجه محقق قرار می‌گیرد، محقق در پی آن است که تفاوت تأثیر این دو روش را مورد بررسی و مقایسه قرار دهد (میزان تفاوت).

ب. پژوهشگر در پی مطالعه میزان رابطه و جهت همبستگی بین دو یا چند متغیر است. برای مثال در بررسی میزان رابطه و همبستگی بین مشکلات مالی و گرایش به مدعی‌گرایی (ادعای رابطه و دیدار و ...) محقق قصد دارد که صرفاً درجه و جهت همبستگی این دو متغیر را کشف کند؛ نه رابطه علت و معلولی بین آنها را (میزان همبستگی).

ج. پژوهشگر در کار کشف و تعیین رابطه علت - معلولی دو یا چند متغیر است. برای مثال محقق ممکن است قصد آن کند که در یابد آیا همراهی مردم، علت پیروزی انقلاب مهدوی است (میزان اثر).^۱

با توجه به مطالب یاد شده، فرض‌ها در تحقیق ممکن است به دو صورت بیان شوند:

۱. آن دسته از فرضیه‌هایی که به «احتمال» وجود تفاوت، رابطه یا اثر اشاره کنند.

۲. آن گروه از فرضیه‌هایی که به نداشتن تفاوت، رابطه یا اثر اشاره دارند.

فرضیه‌های نوع اول را اصطلاحاً فرض تحقیق و فرضیه‌های نوع دوم را فرض پوچ، صفر یا آماری می‌نامند. فرضیه تحقیق از وجود رابطه یا اثر یا تفاوت بین متغیرها خبر می‌دهد یا در واقع وجود این حالات را تأیید نموده، آن را واقعی و

۱. عزت الله نادری و مریم سیف نراقی، پیشین، ص ۳۶ و ۳۷.

حقیقی می‌داند. فرضیه تحقیق به نوبه خود به دو نوع جهت‌دار و بدون جهت تقسیم می‌شود. فرضیه صفر - که به فرضیه آماری یا پوچ نیز موسوم است - بر خلاف فرضیه تحقیق، وجود رابطه یا اثر یا تفاوت بین متغیرها را رد کرده، انکار می‌کند و اظهار می‌دارد که این حالات واقعی نیست و حقیقت ندارد و صرفاً ناشی از تصادف و اشتباهات آماری است. در تحقیقات تاریخی و توصیفی و پس رویدادی فرضیه صفر موضوعیت ندارد.^۱

«فرضیه تحقیق»، جایگاهی مهم در علوم اجتماعی دارد و می‌تواند انتظار محقق در مورد رابطه بین متغیرهای تحقیق را نشان دهد. «فرضیه تحقیق»، به صورت مثبت بیان می‌شود و اثر متغیر مستقل را بر متغیر وابسته بررسی می‌کند یا می‌گوید بین متغیرها، رابطه یا تفاوت وجود دارد.

تقسیم محتوایی فرضیه‌ها

فرضیه‌ها از نظر محتوا نیز به سه نوع فرعی تقسیم پذیرند:^۲

۱. فرضیه‌هایی که بر وجود پدیده‌ها دلالت می‌کنند؛ مثل:

- جامعه شیعه، از اندیشه مهدویت بالندگی و حیات می‌گیرد.

- شخص منتظر، به آینده امیدوار است.

- در جوامع تحت ستم، انقلاب اجتناب‌ناپذیر است.

- در دولت اخلاقی امام مهدی، مردم به نهایت رشد فکری و اخلاقی می‌رسند.

۲. فرضیه‌هایی که بر وجود روابط بین پدیده‌ها دلالت می‌کنند؛ مثل:

- بینش سیاسی - اجتماعی شیعیان، به مهدویت باوری آنها بستگی دارد.

- انتظار مثبت، با امید افراد رابطه دارد.

- وجود ظلم و استبداد در هر جامعه، با وقوع انقلاب در آن جامعه بستگی دارد.

۱. جهان بخش ثواقب، *روش تحقیق با تأکید بر تاریخ*، شیراز، نوید شیراز، ۱۳۸۵ ش، ص ۸۳.
۲. ر.ک: مهدی ساده، پیشین، ص ۴۰.

- رشد فکری و اخلاق مردم در عصر ظهور، در پرتو دولت اخلاقی امام مهدی علیه السلام امکان پذیر است.

۳. فرضیه‌هایی که، در صدد بیان علت وجودی و تکوینی پدیده‌ها و روابط بین آنها بر می آیند؛ مثل:

- مهدویت باوری شیعیان، نقش اساسی در بینش سیاسی - اجتماعی آنان دارد.

- امید به آینده نقش مؤثری در انتظار مثبت و سازنده دارد.

- استبداد حاکمان و ثروتمندان، انقلاب مستضعفان را بارور می‌سازد.

- شکل‌گیری دولت اخلاقی امام مهدی علیه السلام، برای رشد فکری و اخلاقی مردم در

عصر ظهور است.

به دو نوع فرضیه نخست - که بر وجود پدیده‌ها و روابط بین آنها دلالت می‌کند - فرضیه‌های توصیفی، می‌گویند و به نوع سوم - که به بیان علت وجودی پدیده‌ها و روابط فی مابین می‌پردازد و جنبه علیت یا علت‌یابی دارد - فرضیه‌های علی یا تعلیلی و تحلیلی می‌گویند.

پژوهشگر مباحث مهدوی، باید شناخت درستی از نوع فرضیه خود داشته باشد و مراحل بعدی تحقیق خود را براساس توصیفی بودن یا تعلیلی و تحلیلی بودن آن، سامان بخشد. هر مقدار که به سمت فرضیه‌های تحلیلی و تعلیلی گام بردارد، به همان اندازه به سمت تحقیق علمی و نظریه‌پردازی نزدیک شده و توان ارائه دیدگاه‌های نو و اثرگذار را دارا خواهد بود. آنچه که بدان تأکید می‌ورزم، نوآوری، ابتکار و استفاده از کلمات و مفاهیم مناسب و اثرگذار در فرضیه است که ذیل فرضیه‌سازی قابل بررسی است.

شش. فرضیه‌سازی

پژوهشگر پس از مطالعه ادبیات تحقیق و تعریف مسأله، اقدام به تدوین فرضیه می‌کند. او برای طرح فرضیه، باید با در نظر داشتن سؤالات ویژه تحقیق و نیز

متغیرهای مورد مطالعه، تعداد فرضیه‌های خود را مشخص کند. تعداد فرضیه‌ها باید به آن اندازه باشد که نیاز تحقیق را پاسخ دهد و از نتایج آزمون فرضیه‌ها، شناخت واقعی و کاملی از پدیده یا روابط بین متغیرها به دست آید. در عین حال فرضیه‌های متعدد باید به گونه‌ای تنظیم شوند که مجموعاً یک واحد کلی و یک سیستم را تشکیل دهند و هماهنگ و همسو باشند. در تحقیقات علمی بسته به ماهیت تحقیق و قلمرو و مقیاس آن، تعداد فرضیه‌ها ممکن است از یک تا چندین مورد باشد. از این رو تعداد آنها مهم نیست؛ بلکه انسجام، نظام‌یافتگی و هماهنگی بودن آنها مهم است. گفتنی است که وقتی می‌گوییم «فرضیه‌ها» عموماً اشاره به فرضیه‌های رقیب نیز داریم؛ یعنی، پژوهشگر با تسلط بر موضوع تحقیق، توان ارائه فرض‌های مختلف را داشته باشد. این فرضیه‌ها ممکن است مخالف با دیدگاه وی (و فرضیه منتخب او) باشد؛ اما او موظف است آنها را به دقت بررسی کند و نقاط و قوت و ضعف آنها را بشناسد و دلایل و مستندات آنها را مورد ارزیابی و سنجش قرار دهد.

پس از تخمین مقدار فرضیه‌های مورد نیاز، محقق باید آنها را به صورت ساده، روان و کوتاه به شکلی تدوین کند که اولاً مبین وجود رابطه بین متغیرها یا چگونگی وضعیت پدیده‌ها و اشیاء باشد؛ ثانیاً آن را به شکل جمله خبری صورت‌بندی کند؛ ثالثاً می‌تواند در آغاز جمله، از عبارت «به نظر می‌رسد» استفاده نماید.

پس از آنکه پژوهنده، فرضیه یا فرضیه‌های تحقیق خود را تدوین و صورت‌بندی کرد، آن‌گاه با تشکیل جدولی^۱ (و طرح سؤالاتی)، به ارزیابی آنها می‌پردازد. نکته قابل توجه این است که باید واژه‌های اختصاصی و تخصصی فرضیه تعریف شود؛ هر چند تعریف واژه‌های عادی یا متداولی که در فرضیه به کار می‌رود، ضرورتی ندارد. نکته مهم دیگر این است که تمامی لغات استفاده شده در یک فرضیه، باید دقیق باشد. لغات مبهم و شناور یا صفات تفصیلی (برتر)، در فرضیه‌ها جایز نیست. متأسفانه

۱. ر.ک: محمدرضا حافظ‌نیا، پیشین، ص ۱۱۷.

این نقیصه در برخی از پژوهش‌های دینی - به خصوص در پژوهش‌های مربوط به اندیشه مهدویت - دیده می‌شود. به نمونه‌هایی از فرضیات مندرج در بعضی از پایان‌نامه‌ها توجه نمایید:

۱. مصلح جهانی، یک پدیدهٔ عام و جهان شمول است و کلیه انسان‌های دین باور - به ویژه دو فرقه شیعه و اهل سنت - اعتقاد به چنین حقیقت متعالی دارند.
 ۲. بین گرایش به مهدویت و سلامت روان، رابطهٔ مثبت و معنی‌دار وجود دارد.
 ۳. غیبت امام زمان، کاملاً بدون سابقه است.
 ۴. قرآن کریم آیندهٔ جهانی بشریت را روشن معرفی می‌کند و حکومت آینده را از آن صالحین می‌داند.
 ۵. انتظار حقیقی، مشخصاتی ویژه دارد و در مفهوم آن تحریف معنوی رخ داده است!
 ۶. رابطهٔ معنی‌دار و منفی (یا مثبت)، بین انتظار ظهور و افسردگی وجود دارد.
 ۷. تردیدی نیست که در عصر حاضر، امکان ملاقات با حضرت امام زمان (البته با شرایط تشرّف) وجود دارد.
 ۸. جهانی شدن به عنوان ظرف و شرایط تاریخی و فراهم کننده ابعاد فن‌آوری، زمینه‌ساز تحقق حکومت جهانی حضرت مهدی، به عنوان مظلوف و محتوای تاریخی آن می‌باشد و
- بیشتر فرضیات یاد شده، نشانگر عدم شناخت کافی و اصولی پژوهشگران از معنا و مفهوم فرضیه و خصوصیات و ویژگی‌های آن است. نکات قابل نقد و بررسی در این فرضیات عبارت است از:
- الف. سادگی و غیرعلمی بودن مفاهیم و متغیرهای استفاده شده در آنها؛ در واقع هر کس به آنها مراجعه کند، مطلب جدید و علمی به دست نمی‌آورد و با یک مسأله مهم و ابتکاری روبه‌رو نیست.
- ب. چارچوب نظری مشخص در این گونه تحقیقات وجود ندارد؛ یعنی، تکیه‌گاه

تئوریک آنها مشخص نیست و صرفاً بیان یکسری توصیفات احتمالی دربارهٔ سؤالات مطرح شده در طول تحقیق است.

ج. در برخی از این فرضیات، بیشتر از آنکه کیفیت و نوع پاسخ‌ها مدنظر باشد؛ تنها به کلی‌گویی بسنده شده و نوع رابطهٔ متغیرها، روشن نگشته است و ...

به نظر می‌رسد عدم تدوین فرضیه در چنین مواردی، بایسته‌تر از بیان فرضیات ناقص، نارسا، مغشوش و تکراری است. اصل در فرضیه ارائه مطالب نو و مفید - آن هم به صورت نظام‌مند و حساب شده - است. حتی اگر پژوهشگر اشاره‌ای به فرضیه یا فرضیات خاص نداشته باشد؛ اما آن را به عنوان روح کلی تحقیق و راهنمای رسیدن به یک نتیجهٔ روشن قرار دهد، پسندیده‌تر از طرح فرضیات ناقص، ساده، ناگویا و غیرعلمی است. فرضیه‌های تحقیق به طور تلویحی، نظام استخوان‌بندی و سازماندهی مفهومی فصول یک تحقیق هستند و کلیت کار را جمع‌بندی می‌کنند؛ پس باید در تدوین و ارائه آنها کمال دقت و شناخت را داشت.

در فرضیه‌سازی باید به گونه‌ای نوشت که جای جملات را نتوان تغییر داد. عبارات یک فرضیه، باید روابط علت و معلولی و تسلسلی پدیده‌ها را نسبت به یکدیگر نشان دهد. درجه‌بندی در فرضیه‌سازی بسیار مهم است!

استفاده از عباراتی مانند شاید، احتمالاً، مهم‌تر، بالاتر، پایین‌تر، یقیناً، اثر دارد، تأثیرپذیری دارد و... مسأله‌ای را حل نمی‌کند و ذهن خواننده را در ابهام نگه می‌دارد. محقق به جای اینکه بنویسد: اثر دارد، باید بگوید: چگونه اثر دارد. الفاظی مانند بالاتر و پایین‌تر، شناور هستند و تأثیری ندارند.

فرضیه‌سازی از بخش‌های مشکل‌طراحی است و به پشتوانه‌های مطالعاتی دقیق نیازمند است. محقق فرضیه را نمی‌بافد؛ بلکه باید مبتنی بر مطالعات، مشاهدات و تأملات اولیه به پردازش آن اقدام کند.

۱. محمود سریع‌القلم، پیشین، ص ۱۱۲.

۶-۱. منابع فرضیه

فرضیات تحقیق، ریشه در زمینه‌هایی دارد که کما بیش مسائل پژوهش را تبیین می‌کند و همان‌گونه که گزینش یک مسأله مناسب کار آسانی نیست، کشف یک فرضیه سودمند نیز آسان نمی‌باشد. منبع اصلی فرضیات عبارت است از:

۶-۱-۱. تجربیات و دانش محقق و اطلاعاتی کلی و پراکنده او که در ضمن تحقیق به دست می‌آید.

۶-۱-۲. تحقیقات انجام شده قبلی.

۶-۱-۳. نظریه که نوعی فرضیه وسیع و یا مجموعه‌ای از فرضیات فرعی است که می‌توان از طریق تعقل قیاسی، به فرضیات مناسب دست یافت.

۶-۱-۴. پرسش‌های تحقیق (پرسش‌های توصیفی که چه بود و چه هست را شامل می‌شوند و پرسش‌های هنجاری که یک نیاز اطلاعاتی دیگر را مطرح می‌کنند) و پرسش‌های همبستگی که از رابطه میان متغیرها سؤال می‌کنند و پرسش‌های علی که به منظور کشف اینکه چه چیزی موجب چیز دیگر است، مطرح می‌شود.^۱

توضیح آنکه هنگام ساختن فرضیه، ممکن است پژوهشگر خود ابتکار ساختن فرضیه را بر عهده گیرد و بر اساس تفکرات و اندیشه‌های مشخص، در رابطه با پدیده‌های مورد نظر، به ساختن فرضیه مبادرت ورزد.

در بعضی مواقع، پژوهشگر ممکن است، تحقیق خود را براساس یکی از تئوری‌ها (نظریه‌های) صاحب‌نظران و متفکران پایه‌گذاری کند. در این صورت چارچوب نظری کار تحقیقی وی، همان تئوری تئوریسین مورد نظر بوده و قصد محقق آزمودن آن است.

نظریه یکی از مناسب‌ترین و در عین حال منطقی‌ترین منابع فرضیه است و

۱. ر.ک: مصطفی ازکیا و علیرضا دربان آستانه، پیشین، ص ۱۸۹.

می‌توان آن را نوعی فرضیه وسیع و یا مجموعه‌ای از فرضیات فرعی دانست که می‌توان از طریق تعقل قیاسی به فرضیات مناسب دست یافت. به همین دلیل به چنین فرضیاتی، فرضیات قیاسی گفته می‌شود و فرضیاتی را که از مطالعات و مشاهدات پیشین به دست می‌آید، فرضیات استقرایی می‌گویند. در واقع این کار تعیین چارچوب نظری تحقیق است. محقق‌ی که به منظور دست‌یابی به روابط علت و معلولی بین متغیرهای موجود یک پدیده اجتماعی به تحقیق می‌پردازد، لازم است علاوه بر اعمال دقت کامل در کار پرسش‌گری و عملیات میدانی و به طور کلی در انجام جمع‌آوری دقیق اطلاعات، بتواند واقعیت‌های موجود را با نتایج به دست آمده، با زبان علمی بیان نماید. در حقیقت تفاوت بین مشاهده‌گری که واقعیت‌ها را می‌بیند و از هرگونه تحلیلی درباره آن‌ها عاجز است، با مشاهده‌گری که هر واقعیت اجتماعی را با روشن‌بینی و نکته‌سنجی علمی تبیین و تفسیر می‌کند، آن است که مشاهده‌گر اول فاقد اطلاعات نظری گسترده‌ای است و هر واقعیت یا پدیده را با بیانی علمی تعریف کند و آن را با پدیده‌ای دیگر در رابطه علی قرار می‌دهد.^۱

معمولاً کمک یا الهام گرفتن از تئوری‌های رایج (مثل نظرات علامه طباطبایی، شهید مطهری، علامه جعفری و ... در حوزه پژوهش‌های دینی)، متداول‌تر از ساختن نظریه یا مدل نظری توسط خود محقق است؛ اما در «مهدویت پژوهی» امکان بهره‌گیری از چارچوب‌های تئوریک کمتر فراهم است یا با ظرافت و دقت لازم همراه نمی‌باشد. متأسفانه در ساحت نظریه‌پردازی دینی، بیشتر از ساختن نظریه، به پردازش نظرات دیگران توجه شده و چه بسا به تکرار صرف آنها پرداخته می‌شود!!

گاهی هم فرضیه‌سازی، از طریق فرضیه‌های دیگران انجام می‌گیرد؛ یعنی، پژوهنده، ممکن است فرضیه یا فرضیه‌هایی را بسط دهد، محدود سازد، بعضی عوامل و فاکتورهای جدید را جایگزین عوامل و فاکتورهایی کند که در

۱. مصطفی ازکیا و علیرضا دربان آستانه، پیشین، ص ۱۸۷.

پژوهش‌های دیگران، هنگام آزمون فرضیه‌ها رد شده‌اند و عدم تأثیرشان در پدیده مورد بحث، تأیید شده و به اثبات رسیده است. پس از پایان عملیات تجزیه و تحلیل محقق باید با تکیه بر نتیجه کار، درباره فرضیه‌های اولیه خود اظهار نظر کند و با توجه به نتایج حاصله، تأیید یا رد آن‌ها را اعلام نماید. در تحقیقات تاریخی توصیفی و نظری و موردی و تحلیلی محتوا، محقق با استفاده از روش استدلال و تحلیل عقلانی یا روش‌های آمار نویسی یا آزمون و ... به نتیجه‌گیری پرداخته، بر اساس نتایج حاصله، فرضیه‌ها را مورد ارزیابی و اظهار نظر قرار می‌دهد و نسبت به تأیید یا رد آن‌ها اقدام می‌کند.^۱

۲-۶. طرز ساختن فرضیه

برای ساختن فرضیه‌ها، دو روش رایج هست: روش توجیهی و روش میان‌بر.

۲-۶-۱. روش توجیهی

منظور از روش توجیهی، بیان جنبه‌های مختلف ذهنی و تصویری پژوهشگر در ارتباط با پدیده مورد نظر است. به عنوان مثال، وقتی فرضیه «انتظار مثبت شیعی، در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران نقش دارد» مطرح باشد، پژوهشگر باید توجیهی از این فرضیه و نحوه مؤثر بودن «انتظار فعال» در شکل‌گیری انقلاب به عمل آورد. برای مثال آیا مسأله «انتظار مثبت» به طور کلی و در هر میزان در انقلاب ایران تأثیر دارد، یا معنا و شکل خاصی از این انتظار، مورد نظر پژوهشگر است. اگر این چنین است، انتظار مثبت چه شاخصه‌ها و ویژگی‌هایی دارد و کدام یک نقش مهم‌تری در شکل‌گیری انقلاب ایفا می‌کند. بر این اساس پژوهشگر به این نتیجه می‌رسد که در انتظار مثبت، می‌توان به گزینه‌های مختلفی چون انتظار فعال و سازنده، انتظار عاشورایی (دگرگون‌کننده)، انتظار امیدبخش و ... دست یافت.

۱. ر.ک: جهانبخش ثواقب، پیشین، ص ۱۰۹.

۲. ر.ک: مهدی ساده، صص ۳۱-۳۴.

در قدم بعدی پژوهشگر باید این نکته را روشن کند که منظور او از «انتظار فعال»، «انتظار عاشورایی»، «انتظار امیدبخش» و ... چیست؟ او باید بکوشد ویژگی‌ها و ممیزات هر یک از انگاره‌های یاد شده را به طور مشخص بیان کند و منظور خود را به روشنی از این تقسیم‌بندی ارائه دهد. به عنوان مثال «انتظار فعال»، اگر حالت قیام‌گونه و ایثارگرانه داشته باشد و از حد فعالیت عادی و آمادگی ابتدایی خارج شود، تبدیل به «انتظار عاشورایی» می‌شود.

۶-۲-۲. روش میان‌بر

منظور از روش میان‌بر، عدم استفاده از توجیه فرضیه - که یک امر فکری و ذهنی است - و رجحان و برتری دادن به روش تکنیکی و عملی (مکانیکی) است و آن عبارت است از خارج کردن سؤال‌ها و پرسش‌های مربوط به مسائل علمی، از حالت استفهامی. در این روش سؤال از حالت پرسشی خارج شده و به گزاره تبدیل می‌شود. این گزاره‌ها هستند که حالت فرضیه به خود گرفته و به ساده‌ترین روش، مطلوب پژوهشگر را می‌رسانند. مثال:

مسأله علمی: آیا اندیشه مهدویت، جایگاه بنیادینی در تفکر سیاسی شیعه دارد؟

فرضیه علمی: اندیشه مهدویت، جایگاه بنیادینی در تفکر سیاسی شیعه دارد.

پس در روش میان‌بر، صرفاً «آیا و علامت سؤال» از جمله استفهامی حذف و مابقی ساختار جمله حفظ می‌گردد و به این ترتیب، فرضیه به روش میان‌بر ساخته می‌شود. حال با این تعریف که «فرضیه پاسخ حدسی و فرضی محقق به سؤال مربوط به مسأله علمی او است»، یک بار مسأله علمی را در حالت استفهامی بخوانیم و بار دیگر، فرضیه علمی را، با حذف علایم استفهامی بخوانیم. با کمی دقت متوجه می‌شویم که حالت دوم، جواب حالت قبلی است.

باید دانست که در ساختن فرضیه، روش توجیهی مقدم و مرجح بر روش میان‌بر در نظر گرفته شده و مورد استفاده قرار می‌گیرد. در صورت استفاده پژوهشگر از

روش میانبر، وی باید نهایت دقت و ژرف‌اندیشی را در ارائه «مسأله علمی» داشته باشد؛ یعنی، سؤال را به صورت جامع، نو و علمی مطرح کند و از ساده نویسی و تکرار‌گویی پرهیزد. در همه این مراحل، پژوهشگر مراحل را طی می‌کند که به آنها مفهوم‌سازی، ملفوظ‌سازی و مشهودسازی (علمی‌سازی) گفته می‌شود. همچنین پیوند بین فرضیه و نظریه و ارزش و جایگاه تئوری، از مباحث مهمی است که در این نوشتار، مجالی برای پرداختن به آنها نیست.

هفت. مهدویت، آموزه‌ای برای اندیشیدن

قرن بیستم، دوران انباشت دانش‌ها، فنون و اندیشه‌ها و به عبارتی دوران رونق نظریه‌پردازی و تولید علوم و یافتن راه حل‌های جدید و پاسخ‌های نو یا خواسته‌ها و نیازهای بشر، بوده است؛ اما به نظر می‌رسد قرن بیست و یکم، عصر بن بست در نظریه‌پردازی و دوران تکرار آرا است و قصور در اندیشه به حدی رسیده که توان رشد و بالندگی خود را از دست داده و گویا بیشتر مکاتب، افکار و حکومت‌های بشری بروز و ظهور یافته‌اند و مجال کمی برای آنها باقی مانده است. در این بن بست شاهد اضطراب فوق‌العاده بشر، ناراستی راه و روش‌ها، حیرت و سرگردانی هویتی، سیاسی، اجتماعی و فکری، عدم تحقق عدالت و عقلانیت لازم بشری و پیوند عجیب زندگی با نفسانیات، شهوات، مادیات و اوهام هستیم. در واقع می‌توانیم بگوییم در پایان تاریخ فکر و دانش و ساختارهای برخاسته از دنیاگرایی و مادی‌گرایی هستیم.

در اینجا است که باید به دنبال راه و نظریات جدیدی برای زندگی باشیم. شیعه معتقد است: این راه و روش در «ولایت‌پذیری» و سریان ولایت در همه هستی و در چهارچوب دین اسلام نهفته است؛ یعنی، پاسخ همه دغدغه‌ها، اضطراب‌ها، حیرت‌ها، بن بست‌ها و کاستی‌ها را باید در اندیشه «ولایت و امامت» جست و جو کرد. جلوه کامل و تام ولایت، در «آموزه متعالی مهدویت» جلوه‌گر و نمایان است. در واقع «اندیشه مهدویت» پاسخ و راه کار همه نیازها و خواسته‌های بشر و فرجام شکوهمند

هستی انسانی است. این آموزه نه تنها تصویر و طراحی یک جامعه مطلوب و آرمانی است؛ بلکه آموزه‌ای زندگی‌ساز و نظریه‌خیز است. هم خود نظریه جامع و کامل برای همه ابعاد و زوایای حیات معقول و طیب بشری است و هم توانایی فوق‌العاده و فراگیری برای تولید دانش و نظریات و فرضیات مختلف دارد. در واقع هم سرآمد و پایان بخش همه نظام‌ها، حکومت‌ها، افکار و نظریات است و هم فراگیرترین، کارآمدترین و بنیادی‌ترین آنها.

در روایتی آمده است:

«أَنَّ دَوْلَتَنَا آخِرَ الدُّوَلِ وَ لَمْ يَبْقَ أَهْلُ بَيْتِ لَهُمْ دَوْلَةٌ أَلَّا مَلَكُوا قَبْلَنَا لَنَلَّا يَقُولُوا إِذَا رَأَوْا سِيرَتَنَا إِذَا مَلَكْنَا سِرْنَا بِمَثَلِ سِيرَةِ هَؤُلَاءِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»^۱

«دولت ما آخرین دولت‌ها است و هیچ خاندانی که صاحب دولت‌اند، باقی نمی‌ماند مگر این که پیش از حکومت ما به قدرت می‌رسند تا وقتی شیوه ما را دیدند، نگویند: اگر ما نیز به قدرت می‌رسیدیم، مانند اینان رفتار می‌کردیم و این همان سخن خدای تعالی است که می‌فرماید: عاقبت برای پرهیزکاران است.»

و در روایتی مشابه از امام صادق علیه السلام آمده است:

«دَوْلَتُهُ آخِرُ الدُّوَلِ وَ خَيْرُ الدُّوَلِ، تَعَقَّبَ جَمِيعَ الْمُلُوكِ بِحَيْثُ لَمْ يَبْقَ أَهْلُ بَيْتِ لَهُمْ دَوْلَةٌ أَلَّا مَلَكُوا قَبْلَهُ...»^۲

«حکومت او، آخرین و بهترین حکومت‌ها است. بعد از تمام حاکمان و پادشاهان می‌آید. هر خاندانی که برای آنها حکومتی مقدر باشد، به حکومت می‌رسند تا هنگامی که حکومت ما برقرار باشد؛ تا نگویند: اگر حکومت به ما می‌رسید، چنین و چنان می‌کردیم...»

این احادیث به روشنی جایگاه متعالی و فراتر «آموزه مهدویت» و برتری و فضیلت حکومت جهانی مهدوی را بیان می‌کند و نشانگر این است که کامل‌ترین،

۱. شیخ طوسی، محمد بن حسن، *کتاب الغیبه*، ص ۴۷۳؛ شیخ مفید محمد بن نعمان، *الارشاد*، ج ۲، ص ۳۸۵.

۲. شیخ مفید محمد بن نعمان، پیشین، ص ۳۴۴؛ صافی گلپایگانی، *منتخب الاثر*، ص ۳۰۸.

کارآمدترین، جامع‌ترین و اثرگذارترین فکر و راه را می‌توان در آن مشاهده کرد. بر این اساس مراجعه به آن نیز خود می‌تواند بهترین و مطلوب‌ترین راه‌ها و نظریات را ارائه دهد.

«آموزه مهدویت» میراث گران‌بهای دینی است که آکنده از معارف، مفاهیم، اصول، روش‌ها، خط‌مشی‌ها، قواعد، معیارها، سازوکارها و موضوعات گوناگون و اندیشه‌برانگیز است. گفتمان و پارادایم و نظریه خاصی را می‌توان از این آموزه استخراج کرد و مدل و الگو و قانونی برای زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از آن به دست آورد. آموزه مهدویت، مکتب، ایدئولوژی و نظام جامعی است که هم شامل بسیاری از معارف دینی است و هم قاعده و رهیافت خاص و ویژه‌ای را ارائه می‌دهد؛ یعنی، آموزه‌های دینی، به صورت گسترده، فراگیر و عینی در آن عملیاتی شده و مجال ظهور و بروز می‌یابد. «آموزه مهدویت»، شامل مباحث و موضوعات مختلف تاریخی، کلامی، تفسیری، سیاسی، اجتماعی، فلسفی و ... است و پژوهش و اندیشیدن درباره آنها کاری بایسته، بشکوه و اثربخش است. در این دریای ژرف دانش و معرفت، گوهرهای درخشانی از آینده‌نگری، فرجام‌گرایی، انتظارورزی، راه‌شناسی، حقیقت‌گرایی، حق‌خواهی و ... نهفته است که با غوص عالمانه و خردورزانه در آن، می‌توان به این گوهرهای ناب دست یافت.

امروزه پرده فراموشی و بی‌توجهی از چهره این آموزه والا، به کناری نهاده شده و چشم‌اندازهای زیبایی از آن عیان شده است؛ اما هنوز آغاز راه است. رونمایی از این آموزه در عرصه‌های مختلف، هرچند ثمربخش و قابل توجه است؛ اما کافی نیست و نیاز به یک انقلاب علمی و تحقیقی احساس می‌شود. مهم‌ترین مؤلفه این انقلاب پژوهشی، نگاه روش‌مند و دانش‌خیز به آموزه مهدویت است.

پژوهشگران در این رویکرد علمی و تولیدی، نیاز به تحقیقات و کنکاش‌های عمیقی دارند که بتوانند توضیح کامل و اقناع‌کننده‌ای درباره «اندیشه منجی‌گرایی»

بدهند و مبانی و نظام جامع فکری و دینی آن را استخراج نمایند. همچنین ابعاد و زوایای مختلف آن را باز کاویده و اسرار، حکمت‌ها و زیبایی‌های آن را (در زمینه تولد، پنهان زیستی، طول عمر، انتظار، ظهور، قیام، تشکیل حکومت، عدالت گسترده و ...) باز شناسانند. مهدویت؛ یعنی، حاکمیت، معنویت، عقلانیت و عدالت در جامعه بشری، جهت تحقق عبودیت و به‌زیستی انسان. این آموزه می‌تواند به نظریه‌ای جامع و کامل تبدیل شود و متناسب با گفتمان روز و سطح درک و فهم مردم تبیین گردد و ... در هر حال این رویکرد پژوهشی، نیاز به روش‌های علمی تحقیق و چهارچوب‌های خاص نظری دارد که مهم‌ترین بعد آن، بهره‌مندی از «فرضیه» یا «فرضیه‌های تحقیق» است که در این پژوهش به آن پرداخته شد.

نتیجه‌گیری

فرضیه جایگاه ویژه و هدایت‌گرایانه‌ای در تحقیق دارد و پژوهش‌هایی که دارای فرضیه یا فرضیات هستند، ارزش علمی بالاتری دارند و در تحلیل و تبیین موضوعات مختلف، نقش مهمی ایفا می‌کنند.

فرضیه، بیانیه‌ای احتمالی و حساب شده است که بار علمی و مبتکرانه پژوهش را بر دوش می‌کشد و رابطه علی و چگونگی تأثیرپذیری پدیده‌ها را بیان می‌کنند. فرضیه حدس و گمان موقتی و پاسخ اولیه و مقدماتی به سؤال اصلی تحقیق است که به کشف مجهول کمک می‌کند.

آنچه در این نوشتار مطرح شد، اهمیت و جایگاه فرضیه در پژوهش‌های دینی (مهدویت پژوهی) است. به نظر می‌رسد، وجود فرضیه در این گونه تحقیقات، جهت نظم بخشیدن، روشمند کردن، متمرکز نمودن، تعمیم یا تحلیل مناسب، تولید دانش و معرفت جدید و ... پرفایده باشد؛ اما بیان آن در همه پژوهش‌ها - به خصوص در تحقیقات توصیفی - ضروری نیست یا با دشواری‌ها و ابهاماتی روبه‌رو است.

گفتیم که این ابهامات و کاستی‌ها و یا نگاه پوزیتیویستی به علوم، نباید مانع

بهره‌گیری از فرضیه بشود. فرضیه امری عجیب و پیچیده و تجربی محض نیست؛ بلکه فرضیه می‌تواند در بیشتر پژوهش‌ها کار هدایت‌گری، کشف مجهول و سازماندهی را بر عهده بگیرد؛ به خصوص در «آموزه مهدویت» که آکنده از موضوعات و معارف بکر و ناب در زمینه‌های مختلف است.

از طرف دیگر بهره‌وری از فرضیه در پژوهش، باید علمی، ابتکاری و دقیق باشد؛ ولی متأسفانه در بیشتر پژوهش‌های رسمی و نیمه رسمی، به صورت نادرست، سطحی و گذرا به فرضیه پرداخته می‌شود و یا فرضیه‌پردازی، از ویژگی‌ها و شرایط لازم برای تولید علمی برخوردار نیست. این نوشتار روشن کرد که یکی از ضرورت‌های «مهدویت پژوهی» معاصر، شناخت چیستی و چرایی فرضیه و چگونگی فرضیه‌سازی است تا در سازماندهی مفهومی و جمع‌بندی کلیت کار تحقیق، به درستی عمل گردد و گامی درست و اصولی در کشف مجهولات و نظرات و قواعد جدید برداشته شود.

در این نوشتار تأکید بر این بود که پژوهش‌های بدون فرضیه درست و نظام‌مند، از بار علمی کمتری برخوردار است و قابلیت طرح در مجامع علمی و نقد و بررسی را ندارد. یا نباید به تدوین فرضیه پرداخت و یا آن را بر اساس موازین و معیارهای شناخته شده «روش تحقیق» طرح کرد. روش علمی پردازش فرضیه نیز بر این اساس بود که ابتدا «مسئله علمی» (سؤال اصلی) به دقت طرح گردد و از طریق فرضیه، به آن پاسخ داده شود. در فرضیه‌سازی نیز می‌توان از راه‌های مختلف (روش توجیهی، روش میان‌بر و ...) عمل کرد؛ ولی باید از مفاهیم و اصطلاحات دقیق و روشن و بدون ابهام و چندگانگی معنایی بهره گرفت.

انگاره‌های دینی «در آموزه مهدویت»، به صورت گسترده و فراگیر مطرح شده است؛ اما برای پردازش و ارائه آن به جامعه علمی، باید در بعضی از سطوح و ابعاد،

روشمند و اصولی رفتار کرد و کاوش‌های علمی خود را، مبتنی بر روش‌ها و چهارچوب‌های نظری خاص قرار داد.